

احکام و کیل نسبت به او جاری است. (۱)

لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری

مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ با اصلاحات بعدی

ماده ۱ - کانون وکلای دادگستری مؤسسه‌ای است مستقل و دارای شخصیت حقوقی که در مقر هر دادگاه استان تشکیل می‌شود. (۲)

در نقاطی که تا این تاریخ کانون وکلاء وجود ندارد تشکیل کانون مشروط به این است که در آن حوزه حداقل ۶۰ نفر وکیل دادگستری به شغل وکالت اشتغال داشته باشند و تا وقتی که عده وکلاء به حدنصاب مزبور نرسیده وکلای آن حوزه تابع مقررات و نظامات کانون وکلای مرکز خواهند بود.

کانون وکلای دادگستری از قسمت‌های ذیل تشکیل می‌شود:

الف - هیأت عمومی.

ب - هیأت مدیره.

ج - دادرای انتظامی وکلاء.

د - دادگاه انتظامی وکلاء.

ماده ۲ - کانون وکلای هر محل به وسیله هیأت مدیره اداره خواهد شد هیأت مدیره کانون وکلای مرکز از ۱۲ نفر عضو اصلی و شش نفر عضو علی‌البدل تشکیل می‌شود و در سایر

۱ - نظریه ۷/۷۶۷۱ - ۱۳۷۷/۱۲/۱۷ - ا.ح.ق: مطابق ماده ۱۲۳ ق.ا.ج. امینی که برای اموال عاجز تعیین می‌شود به منزله وکیل عاجز و احکام و کیل نسبت به او جاری است و نظر به اینکه برابر ماده ۶۶۱ ق.م. در صورتی که وکالت مطلق باشد فقط مربوط به اداره کردن اموال موکل خواهد بود و چون ماده ۶۶۳ نیز وکیل را فاقد اختیار انجام عملی می‌داند که از حدود وکالت او خارج باشد لذا از جمع مواد مذکور چنین بر می‌آید که اولاً - امین عاجز به صرف داشتن امانتنامه حق فروش مال غیرمنقول عاجز را ندارد.

ثانیاً - اختیارات مندرج در ماده ۱۲۳ ق.ا.ج شامل فروش مال غیرمنقول عاجز نخواهد بود.

۲ - به موجب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی ۱۳۵۸ دادگاه‌های استان منحل و در حال حاضر دادگاه‌های تجدیدنظر، جایگزین آن شده است و به موجب تبصره ۲ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶/۱/۱۷ (مندرج در همین مجموعه) محدوده حوزه هر کانون به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب رییس قوه قضاییه مشخص می‌شود. جهت اطلاع از آخرین تقسیم‌بندی کانون‌های وکلاء در سطح کشور، به قسمت ضمیمه مندرج در آخر این مجموعه رجوع شود.

۳ - نظر به اینکه در بعضی از مجموعه‌های قوانین تعداد اعضای اصلی هیأت مدیره کانون وکلاء مرکز (۱۲ نفر) و در

مراکز دادگاه‌های استان مرکب از پنج نفر عضو اصلی و سه نفر عضو علی‌البدل خواهد بود. هیأت مدیره عهده‌دار امور مربوطه به کانون بوده و رییس هیأت سمت ریاست کانون را دارد و نماینده قانونی کانون در کلیه مراجع رسمی است رییس کانون کلیه اعمال اداری و حقوقی کانون را انجام خواهد داد.

تبصره - بقای عضویت هیأت مدیره مشروط بر این است که محل اقامت وکیل منتخب در تمام مدت عضویت در مرکز همان استان^(۱) باشد.

ماده ۳ - هیأت عمومی کانون وکلای هر استان^(۲) از وکلایی که در آن حوزه اشتغال به وکالت دارند و حایز شرایط زیر باشند تشکیل می‌شود و هر دو سال یک بار برای انتخاب اعضا هیأت مدیره تشکیل جلسه می‌دهد.

وکلایی که واجد شرایط زیر باشند می‌توانند در انتخاب اعضا هیأت مدیره کانون شرکت

نمایند:

بعضی دیگر (۱۱ نفر) ذکر شده است، سوابق امر بررسی و معلوم شد: در ماده (۲) لایحه قانونی، استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۱/۱۲/۷ تصریح شده است: «کانون وکلاء هر محل به وسیله هیأت مدیره اداره خواهد شد هیأت مدیره کانون وکلاء مرکز از ۱۲ نفر عضو اصلی و شش نفر عضو علی‌البدل تشکیل می‌شود و در سایر مراکز دادگاه‌های استان مرکب از پنج نفر عضو اصلی و سه نفر عضو علی‌البدل خواهد بود...» (شماره ۴۱۷۸۴ - ۱۳۳۱/۱۲/۷ روزنامه رسمی شماره ۲۳۵۲ صفحه ۳۲۰ مجموعه قوانین سال ۱۳۳۱) لکن در ماده ۲ لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ - که به شماره ۳۱۶۵۸ - ۱۳۳۳/۱۲/۲۶ در روزنامه رسمی شماره ۲۹۵۷ و صفحه ۱۸۵ مجموعه قوانین ۱۳۳۳ منتشر و درج شده است - تعداد اعضاء اصلی ۱۱ نفر و ارقام (۵) و (۳) با عدد ذکر شده است مع‌ذک در ماده ۲ همین لایحه قانونی - که در زمره قوانین یکصد ساله (۱۲۸۵ - ۱۳۸۵) تجدید چاپ و به همت روزنامه رسمی از طریق پایگاه قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران در اینترنت در دسترس همه قرار گرفته است - تعداد اعضاء اصلی موردنظر ۱۲ نفر و ارقام (۵) و (۳) با حروف چاپ شده است.

نظربه اینکه تعداد اعضاء علی‌البدل هیأت مدیره کانون وکلاء دادگستری مرکز در تمام مصوبات موصوف (۶) نفر و به بیان دیگر معادل نصف تعداد اعضاء اصلی در نظر گرفته شده و از نظر ریاضی تناسب معقولی بین این دو رقم برقرار است و از ابتدای اجرای لوایح قانونی مزبور در کانون وکلای دادگستری مرکز هم تعداد ۱۲ نفر اعضاء اصلی هیأت مدیره ملاک و مورد عمل قرار گرفته و به آن عمل می‌شود، به نظر می‌رسد تعداد ۱۲ نفر صحیح است.

۱ و ۲ - به موجب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی ۱۳۵۸ دادگاه‌های استان منحل و در حال حاضر دادگاه‌های تجدیدنظر، جایگزین آن شده‌است و به موجب تبصره ۲ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶/۱/۱۷ (مندرج در همین مجموعه) محدوده حوزه هر کانون به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب رییس قوه قضاییه مشخص می‌شود. جهت اطلاع از آخرین تقسیم‌بندی کانون‌های وکلاء در سطح کشور، به قسمت ضمیمه مندرج در آخر این مجموعه رجوع شود.

الف - وکلای پایه یک و پایه دو دادگستری مشروط بر اینکه:

۱ - محکومیت انتظامی از درجه ۴ به بالا نداشته باشند.

۲ - در حال تعلیق از وکالت نباشند.

ماده ۴^(۱) - با توجه به ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶/۱/۱۷ منسوخه است.

تبصره - رییس و اعضای هیأت مدیره کانون وکلاء، رؤسا و اعضای دادگاه‌های انتظامی وکلاء و دادستان و دادیاران دادرسی انتظامی وکلاء نباید عضویت احزاب ممنوعه را داشته باشند و در صورت تخلف دادگاه عالی انتظامی قضات آنان را به محرومیت از عضویت هیأت مدیره و دادگاه و دادرسی انتظامی وکلاء^(۲) محکوم خواهد کرد. دادگاه عالی انتظامی قضات مکلف است به محض اطلاع به موضوع رسیدگی کند. رأی دادگاه قطعی است.

ماده ۵ - هیأت مدیره کانون وکلای مرکز از بین اعضای خود یک نفر رییس و دو نفر نایب رییس و دو نفر منشی و دو بازرس به رأی مخفی برای مدت یک سال انتخاب می‌نماید و در سایر حوزه‌ها هیأت مدیره مرکب از یک رییس و یک نایب رییس و یک منشی و یک بازرس خواهد بود.

ماده ۶ - وظایف کانون وکلاء به قرار زیر است:

الف - دادن پروانه وکالت به داوطلبانی که واجد شرایط قانونی باشند.

۱ - ماده ۴ - اعضاء هیأت مدیره کانون وکلاء از بین وکلاء پایه یک هر حوزه که واجد شرایط زیر باشند برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند.

الف - لااقل ۳۵ سال داشته باشند.

ب - لیسانس حقوق بوده و لااقل ده سال سابقه وکالت یا قضاوت داشته باشند به شرط آنکه ۵ سال آن سابقه وکالت پایه یک باشد.

ج - وکلایی که فاقد دانشنامه لیسانس می‌باشند در صورتی می‌توانند انتخاب شوند که دارای مدت ۲۰ سال سابقه وکالت یا ۲۰ سال سابقه وکالت و قضاوت باشند به شرط آنکه ۵ سال از مدت مزبور سابقه وکالت پایه یک داشته باشند.

د - محکومیت انتظامی بالاتر از درجه ۴ نداشته باشند.

ه - سوء شهرت نداشته باشند.

۲ - در صفحه ۲۳۹ مجموعه قوانین سال ۱۳۳۳ - که در اسفندماه ۱۳۳۸ در روزنامه رسمی تجدید چاپ شده است - عبارت «دادگاه دادرسی انتظامی کانون وکلاء» و در صفحه ۲/۱۱۲۹ مجموعه قوانین سال‌های ۱۳۳۵ - ۱۳۳۱ که به همت روزنامه رسمی در بهار ۱۳۸۹ چاپ شده عبارت «دادگاه و دادرسی انتظامی کانون وکلاء» آمده است و به نظر می‌رسد، عبارت «دادگاه و دادرسی انتظامی کانون وکلاء» صحیح است.

- ب - اداره امور راجع به وکالت دادگستری و نظارت بر اعمال و کلاء و کارگشایان.
- ج - رسیدگی به تخلفات و تعقیب انتظامی و کلاء و کارگشایان دادگستری به وسیله دادسرا و دادگاه انتظامی و کلاء.
- د - معاضدت قضایی.
- ه - فراهم آوردن وسایل پیشرفت علمی و عملی و کلاء
- ۵ ماده ۷ - از تاریخ اجرای این قانون فقط به کسانی پروانه وکالت داده می شود که از دانشکده های حقوق داخله یا خارجه دارای دانشنامه لیسانس باشند.
- اشخاص مزبور پس از اخذ پروانه وکالت مکلف هستند لااقل یک سال به کارآموزی اشتغال ورزند پس از اختبار^(۱) و قبول آنان پروانه وکالت پایه یک داده می شود.^(۲)
- ماده ۸ - به اشخاص زیر پروانه وکالت درجه اول از طرف کانون وکلاء داده می شود:^(۳)
- الف - به کسانی که دارای ده سال متوالی یا پانزده سال متناوب سابقه خدمات قضایی بوده و لااقل پنج سال ریاست یا عضویت دادگاه داشته باشند و سلب صلاحیت قضایی از آنها از طرف دادگاه عالی انتظامی قضات نشده باشند.^(۴)

- ۱ - در دوره ۱۸ قانونگذاری و صفحه ۱۸۷ روزنامه رسمی کلمه «اختبار» سهواً «اختیار» تحریر شده است.
- ۲ - نظریه ۷/۳۰۲۰ - ۱۳۷۰/۸/۱۲. ح. ق: با توجه به مواد ۷ و ۸ ل. ق. ا. ک. و. افرادی که بدون کارآموزی قضایی حق دارند پروانه وکالت اخذ کنند احصاء شده اند و نظر به اینکه نماینده قضایی جزء افراد مذکوره در موارد مورد بحث نیست، بنابراین دلیلی بر معافیت اینگونه افراد از انجام کارآموزی به نظر نمی رسد.
- ۳ - نظریه ۷/۵۵۸۳ - ۱۳۸۸/۹/۸. ح. ق: اختبار کتبی و شفاهی مخصوص کسانی است که باتوجه به ماده ۱ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری و با رعایت مقررات این قانون به عنوان کارآموز وکالت مورد پذیرش قرار می گیرند و کانون وکلاء پروانه کارآموزی وکالت برای آنان صادر می نماید. ماده ۴۱ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء نیز مؤید این موضوع است، لذا از مشمولین بندهای الف - ب - ج - د ماده ۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء که دارای شرایط و وضعیت خاصی هستند و کانون با احراز این شرایط مکلف به صدور پروانه وکالت درجه اول برای آنان می باشد اختبار به عمل نمی آید.
- ۴ - الف - رأی ۱۵۲ - ۱۳۷۶/۶/۱۷. دادگاه عالی انتظامی قضات: لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء دادگستری در بند «ب» ماده ۸ مقرر داشته که پروانه وکالت دادگستری به کسانی که دارای دانشنامه لیسانس بوده و ۵ سال سابقه خدمت قضایی داشته باشند... داده می شود.
- باتوجه به اینکه مدت خدمت قضایی آقای... متقاضی پروانه وکالت دادگستری به موجب سند خدمت (فیش) و پرونده کارگزینی او کمتر از ۵ سال (از تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۴ تا ۱۳۶۱/۶/۴) بوده تصمیم کانون وکلاء دادگستری بر رد تقاضای صدور پروانه وکالت برای او با توجه به بند ب ماده ۸ قانون فوق الذکر برخلاف قانون نبوده و اعتراض نامبرده از جهت

ب - کسانی که دارای دانشنامه لیسانس بوده و پنج سال سابقه خدمات قضایی داشته باشند و سلب صلاحیت قضایی از طرف دادگاه عالی انتظامی از آنها نشده باشد.

ج (اصلاحی ۱۳۷۳/۴/۱۵) - نمایندگان مجلس شورای اسلامی با گذراندن یک دوره کامل نمایندگی که دارای لیسانس قضایی یا گواهی پایان تحصیلات سطوح عالی از حوزه علمیه قم و ۵ سال سابقه کار قضایی در محاکم باشند.

د (الحاقی ۱۳۷۳/۴/۱۵) - کلیه کسانی که دارای لیسانس حقوق قضایی یا گواهی پایان تحصیلات سطوح عالی از حوزه علمیه قم با حداقل ۵ سال سابقه کار متوالی یا ۱۰ سال متناوب در سمت‌های حقوقی در دستگاه‌های دولتی و وابسته به دولت و نهادها و نیروهای مسلح^(۱) باشند و بعد از اجرای این قانون با داشتن سی سال سابقه خدمت بازنشسته شوند بدون رعایت شرط سن با انجام نصف مدت مقرر کارآموزی.^(۲)

اینکه مدت کارآموزی قضایی او احتساب نگردیده وارد نیست.

ب - نظریه ۷/۸۰۴ - ۱۳۸۸/۰۲/۱۳ ح.ق: مستفاد از بندهای الف و ب ماده ۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ این است که صدور پروانه وکالت دادگستری برای اشخاصی که دارای سابقه خدمت قضایی هستند یا بوده‌اند مشروط به این است که از آنها سلب صلاحیت قضایی نشده باشد، با این ترتیب صدور پروانه وکالت برای قضات منفصل از خدمت قضایی وجاهت قانونی ندارد.

۱ - به قانون اجازه وکالت دادگستری به افسران قضایی لیسانسیه حقوق بازنشسته نیروهای مسلح مصوب ۱۳۵۱/۸/۲۹ مندرج در همین مجموعه رجوع شود.

۲ - الف - رأی ۱۸۲ - ۱۳۷۴/۱۱/۳ دادگاه عالی انتظامی قضات: چون آقای ج متقاضی صدور پروانه کارآموزی وکالت قبل از تصویب قانون اصلاحی مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ در سال ۱۳۶۳ بازنشسته شده و شرط استفاده از قانون اصلاحی مذکور بازنشستگی بعد از تاریخ اجرای این قانون (۱۳۷۳/۵/۲۶) می‌باشد نظر کانون وکلاء دادگستری مرکز بر رد تقاضای متقاضی منطبق بر قانون مزبور بوده و اعتراض آقای ج بر آن وارد نیست.

ب - نظریه ۷/۳۲۱۵ - ۱۳۸۰/۴/۲ ح.ق: منظور مقنن از سمت‌های حقوقی، آن سمت‌هایی است که کلاً و ماهیتاً حقوقی باشد مانند سمت‌های مشاور حقوقی، نمایندگی قضایی، مدیریت کل حقوقی، ریاست اداره یا دفتر حقوقی و یا معاونت آن و بنابراین مدیران دفاتر دادگاه‌ها دارای سمت اداری و دفتری می‌باشند، دارای سمت حقوقی به معنای مورد نظر مقنن نیستند و لذا بند د الحاقی ۱۳۷۳/۴/۱۷ به ماده ۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری شامل آنها نمی‌شود.

نظریه ۷/۳۷۶۳ - ۱۳۸۶/۶/۵ ح.ق: طبق بند د (الحاقی ۱۳۷۳/۴/۱۵) ماده ۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، یکی از شرایط صدور پروانه کارآموزی این است که متقاضی با داشتن ۳۰ سال سابقه خدمت در دستگاه‌های دولتی و وابسته به دولت و نهادها و نیروهای مسلح، بازنشسته شود. بنابراین به هر علتی مدت خدمت متقاضی کمتر از ۳۰ سال باشد، نمی‌تواند از مقررات این قانون استفاده نماید.

تبصره ۱۵ - کسانی که دارای دانشنامه لیسانس بوده و دو سال سابقه خدمات قضایی داشته باشند از انجام دوره کارآموزی معاف می‌باشند ولی در این مورد مدت انتظار خدمت از لحاظ اخذ پروانه وکالت جزء خدمت محسوب نمی‌شود.^(۱)

تبصره ۲ (الحاقی ۱۳۷۳/۴/۱۵) - کانون ملزم است در مورد تقاضاهای پروانه کارآموزی یا وکالت ظرف مدت شش ماه اتخاذ تصمیم نماید.^(۲)

ماده ۹ - کسانی که تا این تاریخ دارای پروانه وکالت بوده و سلب صلاحیت از آنان نشده وکیل دادگستری شناخته می‌شوند.

ماده ۱۰ - به اشخاص زیر اجازه وکالت داده نمی‌شود:

۱ - اتباع خارجه.

۲ - قضات و مستخدمین دولتی و بلدی و مملکتی و بنگاه‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت است درحین اشتغال به خدمت^(۳) به استثنای استادان دانشکده حقوق که اشتغال به

۱ - به تبصره ۲ ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶/۱/۱۷ مندرج در همین مجموعه رجوع شود.

۲ - به ماده (۱) قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶/۱/۱۷ مندرج در همین مجموعه رجوع شود.

۳ - الف - به اصل ۱۴۱ اصلاحی ق.ا.ج.ا. مندرج در همین مجموعه رجوع شود.

ب - رأی ۲۸۰۴ - ۳۴۱ - ۱۳۰۷/۴/۲۰ دیوان عالی تمیز: اشخاصی که در ادارات دولتی یا بلدی دارای شغل موظفی هستند از وکالت در عدلیه ممنوعند ولی منعی از وکالت در توکیل ندارند.

ج - بخشنامه ۱۳۴۷/۱۲/۲۱-۴/۶۸۲۵۷ وزارت دادگستری به کلیه سازمان‌های قضایی مرکز و شهرستان‌ها: لزوماً ابلاغ می‌شود که نظر به رعایت مصالحی آقایان قضات دادگستری به هیچ وجه مجاز نیستند جز مواردی که به موجب قوانین تعیین شده کارهایی از قبیل عنوان مشاور حقوقی و غیر آن در سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات عام‌المنفعه حتی در ساعات غیراداری قبول نمایند و رؤساء دادگستری‌ها مکلفند در حسن اجرای مفاد این بخشنامه مراقبت نموده و چنانچه به مواردی برخورد نمایند که خلاف آن عمل شده فوراً اعلام و کسانی را که برخلاف مفاد این بخشنامه عمل نموده‌اند به وزارت دادگستری معرفی نمایند. وصول و اجرای این بخشنامه را گزارش دهید.

د - نظریه مورخ ۱۳۴۳/۱/۲۹.ح.ق: «بند ۲ ماده (۱۰) قانون استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب اسفند ۱۳۳۳ مصرح است که به مستخدمین بلدی در حین اشتغال به خدمت اجازه وکالت داده نمی‌شود و در مورد سؤال که وکیل دادگستری به سمت شهردار انتخاب و منصوب گردیده چون با قبول سمت مزبور جزء مستخدمین بلدی محسوب می‌شود مادام که سمت مذکور را داراست مجاز در وکالت دادگستری نخواهد بود.

نظریه ۱۳۷۸/۱۰/۲-۷/۳۳۸۶.ح.ق: با توجه به ماده واحده مورخ ۱۳۷۳/۷/۱۹^(۱) مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام که کلیه امور تعزیرات حکومتی بخش دولتی و غیردولتی را به دولت (قوه مجریه) محول کرده است و با عنایت به صراحت ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۷۳/۸/۱^(۲) سازمان تعزیرات حکومتی یک نهاد دولتی است و اشتغال به کار کسانی که دارای پروانه وکالت از کانون وکلا می‌باشند در سازمان مذکور و دریافت حقوق از آنجا موقعیت قانونی ندارد این

تدریس در یکی از شعب حقوقی دارند در صورت اجازه شورای دانشگاه.

۳ - محجورین و همچنین کسانی که سن آنها کمتر از ۲۵ سال باشد.^(۱)

۴ - محکومین به انفصال ابد از خدمات دولتی.

۵ - اشخاص مشهور به فساد اخلاق و تجاهر به استعمال مسکر و افیون و اعمال منافی عفت.

افراد یا باید پروانه وکالت خود را مسترد کنند یا به عنوان مشاور و در برابر دریافت حق مشاوره با سازمان همکاری کنند. (*۱) و (*۲) - برای ملاحظه قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۳/۷/۱۹ و آیین نامه آن به مجموعه جرایم و مجازات‌ها از انتشارات این معاونت رجوع شود.

نظریه ۷/۸۵۷۳ - ۱۳۸۲/۱۰/۲۰. ح.ق: طبق قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز از کارافتاده و مفقودالثر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی مصوب ۱۳۷۲/۶/۳۰، جانباز از کار افتاده، به منزله مستخدم شاغل تلقی شده، تابع مقررات قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۰ و اصلاحات بعدی آن است و لذا با عنایت به بند (ز) ماده ۵ آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه... مصوب ۱۳۸۱/۶/۱۳ و بند (۲) ماده ۱۰ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ و منع مقرر در تبصره ۲ قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل، پذیرش تقاضای وی به خواسته اصدار پروانه وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی با قانون مطابقت ندارد.

نظریه ۷/۴۹۳۰ - ۱۳۸۶/۷/۳۰. ح.ق: با توجه به ماده ۴۱ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۸۴/۸/۱۵ هر نوع به کارگیری افراد بازنشسته در وزارتخانه‌ها و... موضوع ماده ۱۶۰ قانون برنامه چهارم، جز با تصویب هیأت وزیران تحت هر عنوان ممنوع می‌باشد^(۱۰). بنابراین قاضی بازنشسته که دارای پروانه وکالت است نمی‌تواند قرارداد وکالت و مشاوره حقوقی مستمر با دستگاه‌های موضوع ماده ۱۶۰ قانون برنامه چهارم تنظیم نماید. اضافه می‌نماید تنظیم قرارداد وکالت موردی با وکیل مذکور در فوق از سوی دستگاه‌های دولتی بلااشکال است. در خصوص کارشناسانی که کارمند بازنشسته دولت می‌باشند نیز همین مقررات قابل اعمال است.

(*۱) - به ماده ۸۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ رجوع شود.

نظریه ۷/۷۴۰۰ - ۱۳۸۸/۱۱/۲۸. ح.ق: نظر به این که شهرداری‌ها از بودجه عمومی استفاده می‌کنند و طبق ماده ۹ قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۱ قانون مذکور شامل شهرداری‌ها نیز می‌شود و با توجه به این که طبق اصل ۱۴۱ قانون اساسی و تبصره ۴ قانون یادشده فوق وکالت دادگستری با استخدام رسمی یا غیررسمی در سازمان‌های دولتی و مؤسسات عمومی قابل جمع نیست و در بند دوم ماده ۱۰ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ و الحاقات بعدی تصریح گردیده که به مستخدمین دولتی و بلدی اجازه وکالت داده نمی‌شود، بنابه مراتب یادشده جمع بین وکالت دادگستری و عضویت در شهرداری‌ها به شیوه استخدام غیررسمی نیز ممکن نیست و ممنوعیت قانونی دارد. ولی انعقاد قرارداد مشاوره حقوقی بین مؤسسات دولتی و عمومی با وکلاء دادگستری از شمول ممنوعیت‌های یادشده خارج است.

ه - نظریه ۸۱۳۶۸ - ۱۳۶۸/۸/۱۸. ح.ر: طی دوره کار آموزی که به هر حال تحت شرایطی مستلزم اشتغال به شغل وکالت می‌باشد با توجه به اصل ۱۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای کارمندان دولت ممنوع می‌باشد.

۱ - به تبصره ماده ۱۵ قانون تشکیل صندوق حمایت وکلاء و کارگشایان دادگستری مصوب ۱۳۵۵/۱۰/۲۹ با اصلاحات بعدی رجوع شود.

۶ - محکومین به جنایت مطلقاً و محکومین به جنحه‌هایی که منافی با امانت و عفت و شؤن و کالت است به تشخیص هیأت مدیره کانون و یا آنکه به موجب قانون مستلزم محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی است.^(۱)

۷ - کسانی که به اتهام و ارتکاب جنایت یا جنحه‌های مذکور در ماده فوق تحت محاکمه هستند.

۸ - اشخاصی که طبق حکم محکمه از وکالت محروم شده‌اند.

ماده ۱۱ - وکلایی که تقاضای ترفیع می‌نمایند باید علاوه بر شرایط مقرر قانونی گواهی حسن انجام وظیفه وکالتی به ترتیبی که ذیلاً درج می‌گردد اخذ نمایند.

در نقاطی که در محل اقامت وکیل دادگاه بخش یا شهرستان^(۲) تشکیل گردیده گواهی مزبور باید به تصدیق رییس دادگاه‌های مزبور و دادستان شهرستان یا قائم‌مقام آنان برسد و در صورتی که اقامتگاه وکیل در مرکز استان باشد گواهی مزبور باید علاوه بر تصدیقات مذکور به گواهی رییس کل دادگاه‌های استان و دادستان استان^(۳) برسد.^(۴)

تبصره - مقامات قضایی فوق در صورت احتیاج پس از استعمال از دوائر تابعه مبادرت به صدور گواهی می‌نمایند.

ماده ۱۲ - در صورتی که وکیل دادگستری یا زوجه او با دادرسی یا دادستان یا دادیار یا بازپرس قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم داشته باشند مستقیماً یا با واسطه از قبول وکالت در آن دادگاه یا نزد آن دادستان یا دادیار یا بازپرس ممنوع است.^(۵)

۱ - ماده ۶۲ مکرر از ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۷/۲/۲۷ الحاقی ۱۳۷۷/۲/۲۷ مندرج در همین مجموعه رجوع شود.

۲ - در حال حاضر دادگاه عمومی.

۳ - دادرسهای استان و دادگاه‌های استان به موجب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی مصوب ۱۳۵۸ منحل شده‌اند.

۴ - با توجه به ماده ۷ ل.ق.ا.ک.و. مصوب ۱۳۳۳ از تاریخ اجرای قانون مزبور اعطای پروانه وکالت از طرف کانون فقط به صورت پایه یک پیش‌بینی شده و باتوجه به ماده ۹ لایحه قانونی مزبور مبنی بر ادامه کار دارندگان پروانه وکالت موردنظر زمان گذشته و مقررات مربوط به وکلای مشمول بند «ب» ماده (۲) آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم ... مصوب ۱۳۸۱/۶/۱۳ و کسانی که طبق بند (۴) ماده (۷۶) آ.ل.ق.ا.ک.و. مصوب ۱۳۳۴ و یا به استناد بند (۵) ماده ۵۱ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ محکوم شده یا می‌شوند، این ماده درج شده است.

۵ - الف - به ماده ۴۰ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵، تبصره ۴ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶/۱/۱۷ و ماده (۶) از قانون متمم سازمان دادگستری مصوب شهریور ماه ۱۳۴۵ مندرج در همین مجموعه رجوع شود.

ب - نظریه ۷/۷۱۷۴۵ - ۱۳۷۳/۱۱/۱۷.ح.ق:

سؤال: اگر قبل از انتصاب قاضی به سمت رییس و یا دادرسی دادگاه برادرش که وکیل دادگستری است در آن دادگاه وکیل یکی از طرفین دعوا (اعم از کیفری یا حقوقی) باشد. آیا مورد از موارد ممنوعیت وکیل از وکالت یا رد دادرسی است؟

ماده ۱۳ - دادرسی انتظامی و کلاء مرجع رسیدگی به تخلفات وکلاء و کارگشایان دادگستری و تعقیب آنان بوده و از دادستان و عده لازم دادیار که از طرف هیأت مدیره کانون برای مدت دو سال به رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد.

دادرسی انتظامی وکلاء پس از رسیدگی به تخلفات و شکایات در صورتی که عقیده بر تخلف داشته باشد کیفرخواست صادر می‌کند و در غیر این صورت قرار منع تعقیب خواهد داد. قرار منع تعقیب از طرف شاکی و رییس کانون ظرف مدت ده روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت^(۱) طبق قانون آیین دادرسی مدنی قابل شکایت در دادگاه انتظامی وکلاء خواهد بود.

در صورتی که دادگاه انتظامی وکلاء قرار منع تعقیب را صحیح ندانست به موضوع رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر می‌نماید.

ماده ۱۴ - رسیدگی به تخلفات وکلاء و کارگشایان دادگستری به عهده دادگاه انتظامی

نظریه: با توجه به ماده ۱۲ ل.ق.ا.ک.و. و عبارت مندرج در ذیل آن (از قبول وکالت در آن دادگاه یا نزد آن دادرسان یا دادیار یا بازپرس ممنوع است) این ماده صرفاً ناظر به ممنوعیت وکیل از قبول وکالت بدو در مراجع مذکور در آن می‌باشد. بنابراین با عنایت به ماده ۲۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی^(۱) و تلفیق آن با ماده ۱۲ فوق‌الذکر، مورد سؤال از موارد رد دادرسی می‌باشد، نه ممنوعیت وکیل از وکالت.

(۱*) - ق.آ.د.م. ۱۳۱۸ به موجب ق.آ.د.م. مصوب ۱۳۷۹ نسخ و ماده ۹۱ قانون اخیرالذکر جانشین ماده ۲۰۸ سابق شده است.

نظریه ۷/۱۳۵۸ - ۱۳۸۹/۳/۵ - ح.ق: آنچه را که بند «ه» ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری منع کرده است مطرح بودن دعوی حقوقی یا جزایی بین قاضی و یکی از طرفین یا همسر یا فرزند وی می‌باشد و ارتباطی به وکیل یکی از طرفین یا... ندارد و در سایر موارد نیز برای وکالت وکیل دادگستری در پرونده‌ای که با قاضی رسیدگی کننده دعوی جزایی یا حقوقی دارد ممنوعیتی پیش‌بینی نشده است و لذا قاضی مذکور می‌تواند به رسیدگی خود ادامه داده و از اطاله دادرسی نیز جلوگیری نماید. انتهایه دادرسی رسیدگی کننده برابر مواد ۴۸ و ۴۹ قانون مرقوم مکلف است در مورد ایراد مطروحه ظرف مهلت قانونی اعلام نظر نماید.

نظریه ۷/۱۳۸۰ - ۱۳۸۹/۳/۱۱ - ح.ق: بند الف ماده ۴۶ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۷۸ در رابطه با کسانی است که در امر جزایی به شرکت یا معاونت دخالت دارند و شامل وکلاء اصحاب دعوی و اشخاصی که در موضوع جزایی مورد رسیدگی دخالت ندارند، نمی‌شود. همچنین بند «الف» ماده ۹۱ ق.آ.د.م. مصوب ۱۳۷۹ نیز مبین وجود قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرسی و یکی از اصحاب دعوی است و به وکلاء دادگستری تسری ندارد، لیکن ماده ۱۲ لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء دادگستری مصوب سال ۱۳۳۳ و کلاء دادگستری را در صورت داشتن قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم با دادرسی یا دادرسان یا دادیار یا بازپرس از قبول وکالت مستقیم یا مع‌الواسطه در آن دادگاه یا نزد دادستان یا دادیار یا بازپرس ممنوع نموده است و در صورتی که علی‌رغم ممنوعیت حاصله از ماده مذکور وکالت پرونده را به عهده بگیرد مرتکب تخلف گردیده و قابل تعقیب انتظامی می‌باشد.

۱ - با تصویب ق.آ.د.م. ۱۳۷۹ و نسخ ق.آ.د.م. ۱۳۱۸ رعایت مسافت منتفی است.

وکلاء است دادگاه مزبور از ۳ نفر وکیل درجه یک که به انتخاب هیأت مدیره کانون برای مدت دو سال تعیین می‌گردد تشکیل می‌شود و برای مدت مزبور هیأت مدیره دو نفر عضو علی‌البدل از بین وکلاء پایه یک انتخاب می‌نماید که در مورد غیبت یا معذوریت اعضای اصلی در دادگاه انتظامی شرکت نمایند مجازات‌های درجه ۱ و ۲ و ۳ نسبت به وکیل مورد تعقیب قطعی است ولی شاکی خصوصی که تعقیب به موجب شکایت او به عمل آمده از کلیه آرای صادره و همچنین دادرسی انتظامی وکلاء و رییس کانون از حکم برائت و از مجازات‌های درجه ۴ به بالا می‌توانند ظرف مدت ده روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت^(۱) طبق قانون آیین دادرسی مدنی تقاضای تجدیدنظر نمایند.

مرجع تجدیدنظر دادگاه عالی انتظامی قضاات بوده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.^(۲)

ماده ۱۵ - در صورتی که رییس دادگاه یا دادستان شهرستان و یارییس دادگاه استان و یا دادستان تخلفی از وکیل مشاهده نمایند که قابل تعقیب باشد باید مراتب را کتباً به دادرسی انتظامی وکلاء اطلاع دهند در صورتی که دادرسی مزبور موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد پرونده را با صدور کیفرخواست به دادگاه انتظامی وکلاء ارجاع می‌کند و در غیر این صورت نظر خود را با ذکر دلیل به دادستان استان^(۳) اطلاع می‌دهد و اگر دادستان مزبور به نظر دادرسی انتظامی وکلاء تسلیم نشد رأساً از دادگاه انتظامی وکلاء رسیدگی به موضوع را

۱ - به پاورقی ماده ۱۳ همین قانون رجوع شود.

۲ - الف - به ماده (۳) قانون راجع به تجدیدنظر کردن در احکام دادگاه عالی انتظامی قضاات مصوب ۱۳۳۷/۱۰/۹ و لایحه قانونی تعیین مرجع تجدیدنظر و اعاده دادرسی از احکام دادگاه عالی انتظامی قضاات مصوب ۱۳۵۸/۳/۲۴ مندرج در همین مجموعه رجوع شود.

ب - نظریه ۷/۸۶۵۷ - ۱۳۸۲/۱۲/۲ ا.ح.ق. با توجه به اطلاق ماده ۲ لایحه قانونی تعیین مرجع تجدیدنظر و اعاده دادرسی نسبت به احکام دادگاه عالی انتظامی قضاات مصوب ۱۳۵۸^(۱)، احکام دادگاه عالی انتظامی قضاات - اعم از این که نسبت به قضاات صادر شده باشد یا به عنوان مرجع تجدیدنظر مبنی بر محکومیت وکلای دادگستری قابل درخواست تجویز اعاده دادرسی در هیأت تجدیدنظر انتظامی است و نتیجتاً، ناسخ مقررات صدر ماده ۳ قانون راجع به تجدیدنظر کردن در احکام دادگاه عالی انتظامی قضاات مصوب ۱۳۳۷، از جهت مزبور نیست لکن از این جهت که «دادگاه عالی تجدیدنظر انتظامی» مذکور در قانون راجع به تجدیدنظر کردن در... مصوب ۱۳۳۷ را به «هیأت تجدیدنظر انتظامی» تبدیل کرده است. ماده ۲ مارالذکر در حد مغایرت ماده ۳ موصوف را نسخ کرده است.

(۱۵) - این لایحه قانونی در صفحه ۳۴ مجموعه قوانین سال ۱۳۵۸ روزنامه رسمی درج شده است.

۳ - به ق.ت.د.ع. مصوب ۱۳۵۸ و قانون ق.ت.د.ع.ا. مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی رجوع شود. به موجب مقررات مزبور، دادرسی استان منحل و دادگاه تجدیدنظر به جای دادگاه استان تشکیل شده است.

تقاضا می نماید.

ماده ۱۶ - هرگاه وزیر دادگستری^(۱) به جهتی از جهات وکیلی را قابل تعقیب دانست می تواند از دادگاه انتظامی وکلاء با ذکر دلایل امر تقاضای رسیدگی نماید و نیز در صورتی که به حکم دادگاه مزبور تسلیم نباشد می تواند تقاضای تجدیدنظر کند.

ماده ۱۷ - از تاریخ اجرای این قانون هیچ وکیلی را نمی توان از شغل وکالت معلق یا ممنوع نمود مگر به موجب حکم قطعی دادگاه انتظامی.^(۲)

ماده ۱۸ - در صورتی که وزیر دادگستری^(۳) یا رئیس هیأت مدیره کانون وکلاء به جهتی از جهات اشتغال وکیل مورد تعقیب را به کار وکالت مقتضی نداند می تواند از دادگاه انتظامی وکلاء تعلیق موقت او را بخواهد و دادگاه موظف است در جلسه خارج از نوبت به این درخواست رسیدگی نموده و در صورتی که رأی بر تعلیق صادر شود این رأی قابل اجرا خواهد بود و همچنین در صورت درخواست ۶ نفر از اعضای هیأت مدیره کانون رئیس کانون مکلف است از دادگاه تقاضای تعلیق وکیل مورد تعقیب را بنماید.^(۴)

۱ و ۳ - در حال حاضر، رئیس قوه قضاییه.

۲ - از نامه م/ق/۴۴۳ ق - ۱۳۸۱/۶/۱۶ معاون قضایی رئیس قوه قضاییه خطاب به وزیر دادگستری: در مورد محرومیت وکیل از حرفه وکالت، پاسخ مسأله مبتنی بر این امر است که آیا قانون عام متأخر قانون خاص سابق را نسخ می نماید یا اینکه توان نسخ نداشته و بلکه ضمن پذیرش تخصیص، در ما عدای قانون خاص قابلیت اجراء خواهد داشت. بر اساس ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی یکی از مصادیق محرومیت از حقوق اجتماعی، محرومیت از وکالت بوده و به موجب ماده ۱۹ همان قانون دادگاه می تواند فرد را به عنوان متمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم نماید لکن با عنایت به ماده ۱۷ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، نمی توان وکیل را به موجب ماده ۱۹ قانون فوق الذکر از وکالت محروم نمود زیرا ماده ۱۷ مخصص ماده ۱۹ بوده و چنانچه در علم اصول فقه پذیرفته شده است مخصص اعم از اینکه مقدم یا مؤخر یا مقارن با عام باشد در هر حال مخصص بوده و مراد واقعی مقنن را کشف می نماید. ماده ۷۲۹ قانون مجازات اسلامی هم که کلیه قوانین مغایر را ملغی کرده موجب نسخ ماده ۱۷ نمی شود زیرا بین دو قانون عام و خاص، مطلق مقید مغایرتی وجود ندارد. اگر عموم ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مراد قانونگذار باشد پس دادگاه در رسیدگی به جرم دارندگان پایه های قضایی (قضات) نیز باید به عنوان متمیم مجازات بتواند آنان را ولو به صورت موقت از شغل قضاء محروم نماید در حالی که به موجب ماده ۴ قانون رسیدگی به صلاحیت قضات این امر در حیطه اختیارات محکمه عالی انتظامی قضات بوده و حتی رأی دادگاه تأثیری در حکم محکمه عالی نداشته و از بدو تأسیس عدلیه تا کنون چنین حکمی صادر نشده و مرجع تصمیم گیرنده راجع به محرومیت از شغل قضاء اعم از دایم یا موقت به عنوان ضمانت اجراء تخلف قاضی یا جرم وی دادگاه یا محکمه عالی انتظامی قضات بوده است.

۴ - به نظریه ۷/۹۷۱ - ۱۳۷۶/۴/۸.ح. ق. مندرج در زیرنویس ماده ۶۷۸ ق.م. مندرج در این مجموعه رجوع شود.

از رأی مزبور وکیل معلق می‌تواند تقاضای تجدیدنظر نماید و نیز از رأی عدم تعلیق وزیر دادگستری^(۱) یا رییس کانون وکلاء حق تقاضای تجدیدنظر دارند دادگاه عالی انتظامی قضات به کلیه این درخواست‌ها خارج از نوبت رسیدگی نموده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.

ماده ۱۹ - میزان حق الوکاله در صورتی که قبلاً بین طرفین توافق نشده باشد طبق تعرفه‌ای است که با پیشنهاد کانون و تصویب وزیر دادگستری^(۲) تعیین خواهد شد و در قبال اشخاص ثالث این تعرفه معتبر خواهد بود مگر در صورتی که قرارداد حق الوکاله کمتر از میزان تعرفه وکالتی باشد.^(۳)

۱ - به اصول ۱۵۸ و ۱۶۰ ق.ا.ج.ا. رجوع شود.

۲ - در حال حاضر، رییس قوه قضاییه.

۳ - الف - به آیین‌نامه تعرفه حق الوکاله، حق المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری و وکلای موضوع ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۵/۴/۲۷، رییس قوه قضاییه مندرج در همین مجموعه رجوع شود.

ب - رأی پرونده کلاسه ۸/۵۶۶/۷۰ شعبه هشتم دیوان عالی کشور: «اعتراض... وارد بوده و مالا مؤثر در فسخ آن به نظر می‌رسد، زیرا وجوه در سند مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۶ از جمله مبلغ یک میلیون ریال ملحوظ نظر دادگاه از بابت حق الوکاله تجدیدنظر خوانده ضمن تأیید امور انجام شده از ناحیه وی و به عنوان تصفیه کامل حساب و محاسبه و تراضی گردیده است. بنابراین تلقی مبلغ فوق‌الذکر از باب وجه دستی و لحاظ آن مجرداً از مفاد مستند مزبور که در مقام تصفیه حساب تنظیم گردیده صحیح نبوده و مغایر موازین قانونی و قضایی است بنا به مراتب اقتضاء داشت دادگاه با التفات به مدلول سند مذکور چنانچه از جانب تجدیدنظر خوانده در محدوده وکالت مورد نظر اعمالی انجام گردیده و حق الزحمه آن محاسبه و تصفیه نگردیده مورد رسیدگی و ضمن توصیف اعمال مزبور حق الزحمه مشخص و حسب‌المورد تصمیم مقتضی اتخاذ گردد علی‌هذا رأی تجدیدنظر خواسته به لحاظ مراتب مارالذکر مخلوش تشخیص... و نقض...» می‌گردد.

ج - رأی ۵۷۱ - ۱۳۴۵/۱۲/۱۶ شورای عالی ثبت: وکیلی به موجب عقد وکالت تعهد کرد که دفاع از دعاوی معین موجه موکل را در قبال گرفتن ۲۰۰۰۰۰ ریال (که در رأس یکسال باید داده شود) متصدی شود. پس از انقضای مدت، وکیل به استناد احکامی که در دست داشت تقاضای صدور اجراییه کرد و مدیر ثبت به استناد تبصره یک ماده سوم نظامنامه اجرا کسب دستور کرد.

رأی: صدور اجراییه اشکالی ندارد موکل در صورتی که ادعایی داشته باشد می‌تواند به دادگاه صلاحیتدار مراجعه کند.

د - نظریه ۷/۱۱۵ - ۱۳۸۳/۱/۱۶ ا.ح.ق: در صورتی که در قرارداد وکالت میزان حق الوکاله تعیین نشده باشد ملاک، بهای خواسته مذکور در دادخواست است مگر این که آن بها بیشتر از ارزش واقعی باشد. به علاوه مطابق قسمت آخر از بند ج شق ۱۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی در دعاوی مالی غیرمنقول و خلع ید از اعیان غیرمنقول از نقطه نظر صلاحیت، ارزش خواسته همان است که خواهان در دادخواست خود تعیین می‌نماید لیکن از نظر هزینه دادرسی باید ارزش معاملاتی املاک در هر منطقه تقویم و براساس آن هزینه دادرسی پرداخت شود بنا به مراتب تعیین ارزش معاملاتی املاک غیرمنقول فقط به منظور احتساب هزینه دادرسی و وصول آن است نه چیز دیگر.

- ماده ۲۰ -** هرکس نسبت به وکیل دادگستری در حین انجام وظیفه وکالتی یا به سبب آن توهین نماید به حبس تأدیبی از پانزده روز الی سه ماه^(۱) محکوم خواهد گردید.^(۲)
- ماده ۲۱ -** در مواردی که وزیر دادگستری^(۳) در امور مربوطه به وظایف یکی از افراد هیأت مدیره کانون و یا دادرسان و دادستان دادگاه انتظامی وکلاء تخلفی مشاهده نماید رسیدگی به امر را به دادستان دیوان عالی کشور ارجاع می نماید.
- دادستان کل به وسیله ای که مقتضی بداند تحقیقات نموده در صورتی که تخلف را محرز دانست پرونده را به منظور رسیدگی به دادگاه عالی انتظامی قضات احاله خواهد نمود.
- ماده ۲۲ -** کانون وکلاء با رعایت مقررات این قانون آیین نامه های مربوط به امور کانون از قبیل انتخابات کانون و طرز رسیدگی به تخلفات و نوع تخلفات و مجازات آن ها و ترفیعات و کارآموزی و پروانه وکالت را در مدت دوماه از تاریخ تصویب این قانون تنظیم می نماید و پس از تصویب وزیر دادگستری^(۴) به موقع اجرا گذاشته می شود.^(۵)
- ماده ۲۳^(۶) -** این ماده با انقضای زمان اجرا و انجام موضوع منتهی شده است.

نظریه ۷/۵۶۱۱ - ۱۳۸۸/۹/۹ ح.ق: قرارداد وکالت باید بنحوی تنظیم شود که حدود اختیارات وکیل و موضوع وکالت بصراحت مشخص باشد. تصریح عبارت به میزان تعرفه در وکالتنامه و قرارداد قانونی وکالت که به صورت برگ چایی از سوی کانون های وکلاء در اختیار ایشان قرار می گیرد، نظر مقنن در مورد تشخیص میزان حق الوکاله و مالیات آنرا تأمین می نماید.

۱ - به بند ۱ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی رجوع شود.

۲ - الف - ماده ۶۰۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵: توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حدّ قذف نباشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود.

ب - به موجب تبصره ۳ ماده واحده مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۱، وکیل در موضوع دفاع از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا، برخوردار می باشد. تبصره مزبور و زیرنویس های آن در این مجموعه درج شده است.

ج - نظریه ۷/۷۲۶۷ - ۱۳۸۴/۱۰/۱۳ ح.ق: چنانچه بین وکیل و موکل قراردادی تنظیم و مبلغ حق الوکاله در آن قید گردیده باشد مبنای محاسبه مالیات مبلغ مزبور خواهد بود و آلا مبنای محاسبه مالیات، تعرفه مقرر در آیین نامه تعرفه حق الوکاله و هزینه سفر وکلای دادگستری با اصلاحات بعدی خواهد بود.

۳ و ۴ - در حال حاضر، رییس قوه قضاییه.

۵ - آیین نامه ل.ق.ا.ک.و. در آذرماه ۱۳۳۴ تصویب و با اصلاحات بعدی در همین مجموعه درج شده است.

۶ - ماده ۲۳ - برای تصفیه وکلای فعلی دادگستری دادرسای انتظامی وکلاء تهران موظف است از تاریخ تصویب این

ماده ۲۴ - لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء مصوب اسفندماه ۱۳۳۱ و آن قسمت از قانون وکالت مصوب بهمن ماه ۱۳۱۵ و بند ۸ از ماده اول قانون بودجه سال ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی و سایر قوانین مقررات راجع به وکالت که با مواد این قانون مغایرت داشته باشد نسخ می شود.

ماده ۲۵^(۱) - با توجه به ماده ۴ قانون راجع به استخدام قضات و شرایط کارآموزی مصوب ۱۳۴۳/۹/۱۹ و اصلاحیه آن مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۷ منسوخه است.

ماده ۲۶ - وزارت دادگستری^(۲) مأمور اجرای این قانون است.